

# آموزش همراه با تولید، برنامه اصلی شاخه کاردانش

پای صحبت سیدمصطفی آذرکیش، مدیر کل دفتر آموزش‌های کاردانش

## اشاره

بیش از دو دهه (۱۳۷۱ ه.ش) است که از ایجاد شاخه آموزش‌های کاردانش در نظام جدید آموزش متوسطه می‌گذرد و از ابتدای ایجاد آن دفتری مستقل با عنوان «دفتر آموزش‌های کاردانش» در معاونت آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش برای هدایت آموزش‌های این شاخه تشکیل شد.

در اواخر سال ۱۳۹۲، براساس شرایط نوین آموزشی و برنامه «شش، سه، سه» و اسناد فرادستی به‌منظور تقویت شاخه‌های کاردانش و فنی و حرفه‌ای، تصمیم گرفته شد این دفتر به‌طور مستقل عمل کند و از همان زمان مهندس سیدمصطفی آذرکیش به‌عنوان مدیر کل دفتر آموزش‌های کاردانش منصوب شد.

مهندس آذرکیش دارای مدرک کارشناسی در رشته مهندسی برق و کارشناسی ارشد در رشته مدیریت آی تی و دارای ۲۳ سال سابقه کار در آموزش و پرورش است. وی پیش از این مسئولیت اداره فنی و حرفه‌ای و کاردانش آموزش و پرورش شهر تهران را عهده‌دار بوده است. به مناسبت استقلال جدید دفتر آموزش‌های کاردانش و برنامه‌های جدید این دفتر به گفت‌وگویی با مهندس آذرکیش پرداخته‌ایم که در ادامه، توجه شما را به آن جلب می‌کنیم.

■ حدوداً چهار سال پیش بود که دفاتر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش در هم ادغام شد و هر دو شاخه آموزشی توسط یک دفتر مدیریت می‌شد. اما اخیراً دفاتر آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش از هم جدا شدند و دفتر هر یک از این شاخه‌های آموزشی مستقل گردید. فلسفه مستقل شدن مجدد این دفاتر و اهداف نوین شما در شاخه کاردانش چیست؟

در اوایل سال ۱۳۸۹ هم که تصمیم گرفته شد دو دفتر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش در قالب یک دفتر فعالیت کنند، شرح وظایف و مأموریت‌های ذاتی هر دو شاخه استقلال خود را داشتند، ولی رهبری و هدایت هر دو شاخه توسط یک دفتر انجام می‌شد. الان هم براساس شرایط نوین آموزشی و برنامه «شش، سه، سه» و اسناد فرادستی در جهت تقویت شاخه‌های کاردانش و فنی و حرفه‌ای به نوعی دفاتر به‌صورت مستقل شدند. البته در سه سال گذشته هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای همچنان به مأموریت‌های خود و هنرستان‌های کاردانش نیز به مأموریت‌های خود می‌پرداختند. آنچه ما در خصوص آموزش‌های کاردانش داریم و باعث می‌شود که ما بتوانیم در قالب یک دفتر مستقل و به‌عنوان یک شاخه تحصیلی عمل کنیم عبارت‌اند از:

ساماندهی، طراحی و  
سمت‌گیری  
آموزش‌های  
متوسطه



## براساس شرایط نوین

### آموزشی و برنامه

«شش، سه، سه»

### و اسناد فرادستی،

### در جهت تقویت

### شاخه‌های کار دانش

### وفنی و حرفه‌ای

### دفاتر این دو شاخه

### مستقل شدند

## استفاده از

### ظرفیت‌های

### دستگاه‌های دولتی

### و مؤسسات تولیدی

### و خدماتی غیردولتی

### برای برنامه‌ریزی و

### اجرای رشته‌های

### مهارتی و پرورش

### روحیه کارآفرینی

### به جای کارجویی از

### برنامه‌های اصلی

### کار دانش است



برای ورود دانش‌آموختگان (فارغ‌التحصیلان) به بازار کار و اشتغال مولد، با توجه به مقتضیات جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی جامعه.

بی‌شک ما در کشوری زندگی می‌کنیم که از مقتضیات اقلیمی و فرهنگی بسیار متنوعی برخوردار است و براساس آن می‌توانیم برای آموزش رشته‌های مختلف و نیازهایی که داریم برنامه‌ریزی کنیم.

موضوع بعدی استفاده از ظرفیت‌های دستگاه‌های دولتی و مؤسسات خدماتی و تولیدی غیردولتی برای برنامه‌ریزی و اجرای رشته‌های مهارتی و حرفه‌آموزی دانش‌آموزان و پرورش روحیه کارآفرینی به جای کارجویی است که از برنامه‌های اصلی کار دانش به‌شمار می‌رود.

گسترش سریع و فراگیر شدن آموزش‌های مهارتی نیز ما را در توسعه منطقی و متوازن کمک خواهد کرد و به هر حال در آموزش‌های کار دانش اهداف ارزشمندی مانند مسئولیت‌پذیری، تقویت اعتماد به نفس و خودباوری، حفاظت از محیط زیست، بهداشت و ایمنی کار برای کاهش آسیب‌های فیزیکی یا بدنی تحقق‌پذیر خواهد بود. باید توجه داشت که اگر دانش‌آموختگان هنرستان‌های کار دانش ادامه تحصیل دهند، ضمن اخذ مدرک فوق دیپلم، یک تکنسین ماهر می‌شوند و اگر لیسانس بگیرند یک کارشناس ماهر خواهند شد، زیرا در آموزش‌های کار دانش و مهارتی دانش‌آموز بیشتر کار عملی انجام می‌دهد. همان‌طور که مقام معظم رهبری فرمودند: «ما هم به علم و هم به پنجه کارآمد احتیاج داریم». دانش‌آموزان هم در سن مناسبی وارد آموزش‌های مهارتی می‌شوند و در این سال‌ها با محیط کار انس می‌گیرند که مطمئناً در آینده کار را برای خودشان افتخار می‌دانند چون آمده‌اند روپوش کار را پوشیده‌اند و کار را لمس کرده‌اند و اگر روزی هم مسئول یک کارخانه بشوند، موفق‌تر خواهند بود. همان‌طور که در قضاوت‌ها و ارزیابی‌های مان از کار افراد می‌گوییم فلانی پله‌پله بالا آمده است و یک مرتبه رئیس یا مدیر نشده است.

## ■ برنامه‌های آتی شما برای توسعه و رشد

### آموزش‌های مهارتی چیست؟

یکی از برنامه‌های اصلی ما ارتقای سطح تعامل با دستگاه‌های خارج از آموزش و پرورش برای آموزش‌های به روز و متناسب با نیازهای جامعه و بازار کار یعنی ملی و منطقه‌ای است. هم‌اکنون،

به‌منظور افزایش سطح این تعامل‌ها با چندین وزارتخانه، از جمله وزارت جهاد کشاورزی، وزارت تعاون، وزارت کار و رفاه اجتماعی، وزارت صنعت، معدن و تجارت در حد معاون وزیر و حتی وزیر ارتباطات برقرار شده است. ما براساس این تعامل‌ها تقاضاهای آن‌ها را می‌گیریم و رشته‌های آموزشی دایر می‌کنیم.

شما می‌دانید که نظام آموزش‌های کار دانش و فنی و حرفه‌ای تقاضامحورند. لذا ما رشته‌ها را براساس نیاز و تقاضا تأمین و محتوا و استاندارد آن‌ها را هم با تعامل دستگاه‌های بیرونی تبیین و تدوین می‌کنیم. آن‌ها به ما می‌گویند ما به چه نیروهایی نیاز داریم و آموزش و پرورش هم براساس نیاز آن‌ها رشته‌ها را ایجاد می‌کند.

برای مثال صنعت اعلام می‌کند که نیاز امروز ما تعمیر خودروهای سبک یا خدمات پس از فروش خودروهای سبک است. ما بر این اساس این رشته را ایجاد می‌کنیم و استاندارد مهارتی آن را می‌نویسیم و محتوای آن را با همکاری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تهیه می‌کنیم. در نتیجه هنرجوی این رشته اطمینان حاصل می‌کند که بعد از گذراندن دوره تحصیل، بازار کارش تعیین شده است. یکی از مزایای اصلی رشته‌های کار دانش این است که وقتی نیاز بازار کار تأمین شد، اجباری نیست که آموزش آن رشته همچنان ادامه داشته باشد. بنابراین رشته جدید دیگری را ایجاد می‌کنید. رشته‌ای را امسال براساس نیازهای بازار کار ایجاد می‌کنیم؛ وقتی نیرو، به حد نیاز بازار کار تربیت کردیم دیگر نیاز نیست که آموزش آن رشته ادامه یابد و به جای آن رشته جدید دیگری را براساس شرایط جدید ایجاد می‌کنیم. مثلاً الان رشته طراحی طلا و جواهر در برخی از مناطق آموزشی ما نیاز است و خوب جواب می‌دهد. همه تلاش ما در این جهت است که رشته‌هایی را آموزش دهیم که متناسب با نیازهای ملی و منطقه‌ای و بازار کار باشد.

الان ما با جهاد کشاورزی تفاهم‌های خیلی خوبی داریم. ما در سال گذشته در آموزش‌های برون‌سپاری رشد خوبی داشته‌ایم. راه‌اندازی هنرستان‌های جوار روستا و هنرستان‌های کشاورزی از جمله این همکاری‌هاست. در بخش صنعت نیز احیای مجدد هنرستان‌های جوار کارخانه اقدام بسیار مفیدی است. هم‌اکنون یکی دیگر از برنامه‌های ما تقویت و بهبود کیفیت آموزش، همراه با تولید است.

**وقتی نیاز بازار کار  
به یک رشته تأمین  
شد، اجباری نیست  
که آن رشته برای  
بیست سال دیگر  
آموزش داده شود**

پیش می‌رود که از همه ظرفیت‌ها برای تقویت روحیه کارآفرینی، مهارت‌آموزی حرفه‌آموزی با توجه به مقتضیات فرهنگی، اجتماعی و منطقه‌ای استفاده شود. الان نیاز واقعی جوانان ما اخذ مدرک نیست، اشتغال است. الان خیلی از خانواده‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که یکی از نیازهای اصلی فرزندان‌شان اشتغال است نه مدرک. رسانه‌های جمعی به خصوص رسانه ملی باید در این جهت کار کنند.

آن‌ها می‌توانند در این جهت نقش مهمی ایفا نمایند و در تبیین شرایط موجود و آشنایی و آگاهی بیشتر خانواده‌ها بسیار مؤثر واقع شوند.

آموزش‌های مهارتی فشار مدرک‌گرایی و بار کنکور را کم می‌کند. در صحبت‌های رئیس‌جمهور هم تأکید شده بود که ما از آموزش‌های حافظه‌محور کم‌کم عبور کنیم.



در گذشته این کار خاص رشته‌های کشاورزی بود. ولی الان ما داریم آموزش همراه با تولید را در اکثر رشته‌ها گسترش می‌دهیم.

ما حدود ۲۷۰ رشته مهارتی در شاخهٔ کاردانش داریم که انعطاف‌پذیری آن‌ها ما را در اجرا بسیار کمک می‌کند. در شاخهٔ فنی و حرفه‌ای حدود ۴۳ رشته جا افتاده است. آموزش کاردانش این مزیت را دارد که رشته‌های آن کاملاً به روز هستند.

**■ آیا شما کادر آموزشی لازم را برای آموزش این همه رشته دارید یا برون‌سپاری می‌کنید؟**

طبیعی است که ما برای همهٔ رشته‌های جدید کادر آموزشی نداشته باشیم و کسری مشاهده شود. یکی از روش‌های جبران این کسری‌ها این است که براساس مصوبهٔ هیئت محترم وزیران از ظرفیت‌های خارج از آموزش و پرورش استفاده کنیم. خوشبختانه الان ارادهٔ بسیار خوبی در سطح سیاست‌های کلان کشور برای تقویت آموزش‌های کاردانش و فنی و حرفه‌ای وجود دارد. برای مثال، ما در سیاست‌های اشتغال، که ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری بود، تأکید ویژه‌ای بر این می‌بینیم.

در برنامهٔ پنجم توسعه، مادهٔ ۱۹ آن بر توسعهٔ آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، کاردانش و مهارتی تأکید دارد و همین نیز در سند تحول بنیادین و در سند چشم‌انداز آمده است.

یکی دیگر از برنامه‌های ما در خصوص پرکردن خلأهای موجود این است که از سمت رشته‌های سنتی به سمت رشته‌های روز برویم و این را هم بازار کار می‌تواند براساس نیازهای ملی و منطقه‌ای به ما انتقال دهد. به همین منظور، ما جلساتی با بخش‌های صنعت، کشاورزی، خدمات تشکیل می‌دهیم و آن‌ها نیازهایشان را به ما می‌گویند و ما هم برای آن‌ها رشته تأسیس می‌کنیم و آموزش می‌دهیم و آن‌ها هم نگرانی خاصی ندارند. در نتیجه این امکان همیشه وجود دارد که ما رشته‌های جدیدی را براساس نیازهای جامعه ایجاد کنیم و یا آموزش رشته‌هایی را متوقف کنیم.

**■ چشم‌انداز آموزش‌های کاردانش مهارتی**

**در کشور را چگونه می‌بینید؟**

من براساس اسناد فرادستی، که هم در سیاست‌های کلان و هم در سیاست‌های خرد کشور وجود دارد و همچنین متناسب با نیاز جامعه، چشم‌انداز بسیار خوبی را برای آیندهٔ رشته‌های کاردانش پیش‌بینی می‌کنم. الان شرایط به سمتی



است. این‌ها نشان می‌دهد که وقتی آموزش‌های ما به روز، نو و متناسب با بازار کار باشد، خانواده‌ها هم از آن‌ها استقبال می‌کنند.

■ **اشاره کردید به آثار مثبت آموزش‌های مهارتی، کار دانش و فنی و حرفه‌ای. ممکن است در این زمینه بیشتر توضیح دهید؟**

آثار تربیتی مثبتی که در آموزش‌های مهارتی‌ست، بسیار زیاد است. دانش‌آموز یا هنرجویی که دست به تولید می‌زند، خودشکوفایی در او تقویت می‌شود. اتفاقاً یکی از اهداف اصلی آموزش‌های کار دانش تقویت باورهای درونی و اعتماد به نفس و خودباوری هنرجویان است. کسانی که در مسیر مهارت و اشتغال قرار می‌گیرند، کمترین درصد طلاق، اعتیاد، مهاجرت و افسردگی را دارند. به دلیل داشتن انگیزه و احساس رضایت، افسرده نمی‌شود.

من معتقدم هر کدام از ما در راه آموزش مهارت به نسل جوان کشور قدم برداریم، کاری بسیار ارزشمند است و ذخیره آخرت‌مان خواهد شد، زیرا این کار منجر به ثبات و آرامش خانواده‌ها می‌شود. وقتی فرزند یک خانواده مهارت و شغلی داشته باشد، همه اعضای آن خانواده آرامش پیدا می‌کنند و نسبت به آینده خود امیدوار می‌شوند.

■ **در حال حاضر چه تعدادی هنرجو در شاخه کار دانش مشغول تحصیل‌اند؟**

اگر براساس آزمون‌های رغبت‌سنجی، و آزمون‌های توانایی فردی، توانایی بچه‌ها را بسنجیم و بر مبنای توانایی‌های فردی و شخصیتی آن‌ها جهت هدایت تحصیلی و شغلی آن‌ها اقدام کنیم، آینده بهترشان را تضمین کرده‌ایم.

آثار تربیتی مثبتی که در آموزش‌های مهارتی‌ست، بسیار زیاد است. وقتی دانش‌آموزی دست به یک فعالیت بدنی و فیزیکی بزند که در نهایت منجر به تولید گردد، خودشکوفایی در او ایجاد و تقویت می‌شود و احساس نشاط و شادابی به او دست می‌دهد.

■ **استقبال مردم از رشته‌های کار دانش چگونه است؟**

هر کجا که فرهنگ‌سازی شده است و بسترهای لازم را ایجاد کرده‌ایم و به نیازهای منطقه‌ای و ملی توجه بیشتری داشته‌ایم، استقبال خانواده‌ها را هم بیشتر دیده‌ایم. ما از نظر کمی در استقبال از آموزش‌های مهارتی رشد داشته‌ایم. برای مثال در یک زمانی تعداد هنرجویان ما در رشته طراحی طلا و جواهرات ۸ تا ۱۰ نفر بود، اما به مرور این تعداد افزایش یافت و به ۱۲۰ نفر رسید. در رشته آسانسورسازی و تعمیر آسانسور، تعداد از ۱۷ نفر شروع شد و تا ۱۵۴ نفر رسید. در رشته‌های کابینت، بازرسی جوش، و... نیز چنین روندی داشته‌ایم. حتی تعداد کسانی که بیرون از آموزش و پرورش آموزش دیده‌اند به مرور تا به ده برابر هم رسیده

**یکی از برنامه‌های اصلی ما ارتقای سطح تعامل با دستگاه‌های خارج از آموزش و پرورش برای آموزش‌های به‌روز و متناسب با نیازهای بازار کار است**

**نظام آموزش‌های کار دانش و فنی و حرفه‌ای تقاضا محور است و مارشته‌ها را بر اساس نیاز و تقاضا تأسیس و دایر می‌کنیم**



حدود ۴۴۵ هزار نفر.

■ الان این مشکل وجود دارد که اگر ما در هنرستان‌ها بهترین آموزش‌ها را هم بدهیم، دانش‌آموختگان هنرستان جذب بازار کار نمی‌شوند، زیرا دستگاه‌های جذب کار می‌توانند لیسانس‌ها را با حقوق کمتر جذب کنند و نیازی ندارند که دیپلم هنرستان جذب کنند. مثلاً در رشته‌های حسابداری، کامپیوتر و... این مشکل را چگونه حل می‌کنید؟

نکته دیگر این است که شما از همان آغاز تأکیدتان روی کارآفرینی ست، به جای کارجویی. در حالی که آن‌ها در سنین بین ۱۸ تا ۲۵ نمی‌توانند کارآفرین بشوند. یعنی تا این‌ها می‌خواهند یک کارگاه راه بیندازند یک کارگاه بزرگ‌تر می‌آید و این‌ها را از صحنه خارج می‌کند. در نتیجه این کارآفرین‌های جوان ورشکسته می‌شوند و روز به روز از تعدادشان کاسته می‌گردد. ما موردهای فراوان دیده‌ایم که هنرجوها بعد از اخذ دیپلم کارگاه خیاطی یا آرایشگری باز کرده‌اند، ولی در درازمدت نتوانسته‌اند ادامه دهند. سؤال این است که چه چاره‌ای بیندیشیم که آن‌ها حاصل و نتیجه کار خودشان را ببینند و از آن احساس رضایت کنند؟

به نظر من میزان کار در برخی از مشاغل برای دیپلم‌های ما بیشتر از لیسانس‌هاست، زیرا سطح توقع دیپلم پایین‌تر از لیسانس است. این استثناست که در برخی مشاغل افرادی با مدرک لیسانس و فوق‌لیسانس می‌آیند و می‌گویند ما حاضریم با ماهی ۵۰۰ هزار تومان کار کنیم، در صورتی که دیپلم فنی با ماهی ۷۰۰ هزار تومان در آن شغل کار می‌کند. برای بخش خصوصی، صنایع یا خدمات مهم این است که افراد ماهر را جذب کنند؛ نه کسانی را که مدرک تحصیلی بالاتر دارند. در یک مرحله وزارت کار اعلام کرده بود میزان بیکاری افراد تحصیل‌کرده بیش از لیسانس ده برابر دیپلم‌هاست. این آمار بیانگر این مطلب است که ما در سطح دیپلم‌ها، نسبت به لیسانس‌ها و بالاتر، درصد بیکاری کمتری داریم. گزارش مراجع اصلی بیانگر این واقعیت است. بنابراین صحبت شما موردی صدق پیدا می‌کند ولی کلی نیست.

نکته دیگر این که بحث کارآفرینی مربوط به سن خاصی نیست و می‌توان از دوره ابتدایی هم این نگاه را داشت. الان براساس تفاهم‌نامه‌ای که

بین معاونت آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش و دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران امضا شده، ایجاد روحیه کارآفرینی و بسترسازی از دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه منظور شده است. ما در خیلی جاها می‌گوییم قانون برنامه پنجم توسعه گفته است که در پایان دوره متوسطه، همه دانش‌آموزان باید یک مهارت بلد باشند. در عین حال، این را هم می‌دانیم که یک مهارت ۱۸۰ ساعتی ممکن است به ایجاد یک شغل منجر نشود ولی می‌تواند مبنای هدایت شغلی شود. دانش‌آموز می‌آید در یک شرایطی قرار می‌گیرد و شغلش را انتخاب می‌کند.

در دوره آموزش رسمی برای دانش‌آموزی که وارد این دوره می‌شود، ساعاتی از آموزش را برایش مهارت در نظر می‌گیرند که حدود ۶۰۰ یا ۷۰۰ ساعت در طول دو سال است، که مطمئناً چنین آموزشی کامل نیست و ایشان باید آموزش مهارتش را ادامه دهد.

همین الان وقتی ما به برخی از صنایع سر می‌زنیم و از یک دیپلمه کاردانش که مشغول به کار است، سؤال می‌کنیم آیا آموزش دوره متوسطه برای این کار شما کافی بوده است؟ می‌گوید «خیر. من اینجا که آدم یک دوره شش ماهه ۶۰۰ ساعته را هم اضافه بر دوره آموزشی قبلی گذرانده‌ام.»

توجه داشته باشیم که سطح توقع یک دیپلمه و کارگاه صنعتی‌ای که او را جذب می‌کند، هماهنگ است. کارفرما می‌گوید که این دیپلمه آموزش لازم را دیده و در یک سن مناسب لباس کارگری پوشیده و کار را هم یاد گرفته است و برای کار من بهتر و بیشتر به درد می‌خورد. چرا؟ چون به نیروی ماهر نیاز دارد. شاید الان هم در برخی مشاغل داشته باشیم که افراد لیسانس به بالا حاضر شوند کار کنند ولی روی اجبار است.

به اعتقاد من لازم نیست که همه تحصیل‌کرده‌های ما لیسانس و فوق‌لیسانس شوند. ما باید براساس هرم شغلی متوازن، نیروی انسانی لازم را برای همه قسمت‌ها تربیت کنیم.

■ یکی از مشکلات کنونی که مانع توسعه رشته‌های کاردانش و فنی و حرفه‌ای می‌شود، این است که دانش‌آموزان قوی از نظر تحصیلی (و خانواده‌هایشان) علاقه‌مند نیستند که جذب این رشته‌ها شوند و بیشتر دانش‌آموزان ضعیف به سمت شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش می‌آیند. هنرآموزان نیز می‌گویند کار کردن با

تقویت و بهبود  
کیفیت آموزش  
همراه با تولید از  
برنامه‌های جدی  
ماست



آموزش کاردانش  
این مزیت را دارد که  
شما کاملاً رشته‌های  
به‌روز و مورد نیاز  
بازار کار را دنبال  
می‌کنید. ما الان  
حدود ۲۷۰ رشته  
مهارتی در شاخه  
کاردانش داریم

**یکی از برنامه‌های  
جدی دفتر  
ما بهسازی و  
توانمندسازی نیروی  
انسانی شاخه  
کاردانش است**

دانش‌آموزان ضعیف سخت است و مشکلات زیادی داریم. این‌ها نشان‌دهنده این است که در فرهنگ جامعه ما هنوز گرایش جدی به سمت این نوع رشته‌ها وجود ندارد. برای این مسئله چه فکری کرده‌اید؟

به نظر من نقش مجموعه اصحاب رسانه در این زمینه می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد و لازم است برای رشد و توسعه متوازن کشور فرهنگ‌سازی کنند. رسانه‌ها باید در این زمینه به‌طور اساسی کار و تبلیغ کنند. اقدام دیگر هم این است که ما در استان‌ها تور اشتغال و کارآفرینی بگذاریم. ما باید دانش‌آموزان دوره اول متوسطه را به هنرستان‌ها ببریم و آن‌ها را با رشته‌های شاخه‌های کاردانش و فنی‌وحرفه‌ای آشنا کنیم. اگر شما بخواهید یک دست‌کت و شلووار بدوزید این کار را به چه کسی می‌سپارید؟ این کار را به کسی که مهارت خوب دارد می‌سپاریم یا به کسی که تحصیلات بالا داشته باشد؟ طبیعی‌ست که در اینجا مهارت خیاط مطرح است، نه مدرک او. مطمئناً اگر ماشینمان هم به سرویس‌دهی احتیاج داشته باشد، آن را به کسی می‌سپاریم که مهارتش بیشتر باشد. هیچ‌کس منکر این نیست که پایه علمی خوب و قوی به حل مسئله کمک می‌کند. منتها ممکن است ما در همه رشته‌ها نیازی به قوی بودن پایه ریاضی، فیزیک و زیست نداشته باشیم. شاید در برخی رشته‌ها ضرورت قطعی باشد که پایه علمی اولیه قوی باشد. مثل رشته برق صنعتی و پی‌ال‌سی، ولی در بخشی از رشته‌ها الزامی نیست که افراد پایه علمی قوی در درس‌های فیزیک، ریاضی، زیست و... داشته باشند. ضمن اینکه الان در برخی از هنرستان‌های ما معدل هنرجویان زیر ۱۹ نیست، مانند هنرستان‌های نمونه دولتی، البته درصد آن‌ها کم است.

البته ما منکر این نیستیم که در هنرستان‌ها به داشتن پایه علمی قوی‌تر نیاز است ولی باید فرهنگ‌سازی شود تا دانش‌آموزان پایه قوی هم به این سمت گرایش پیدا کنند. ما باید این فرهنگ را در بین جامعه، خانواده و دانش‌آموزان نهادینه کنیم که دانش‌آموزان را، براساس علاقه فردی، استعدادها، ذاتی، توانایی‌های شخصی، آزمون‌های رغبت‌سنجی و سایر شرایط هدایت کنیم. طبیعی‌ست که اگر دانش‌آموزانی با پایه قوی‌تر وارد هنرستان شوند، موجب می‌شود که آموزش‌هایمان سریع‌تر و عمیق‌تر گردد، ضمن اینکه ما در آموزش‌های مهارتی بیشتر فرصت را به مهارت‌آموزی می‌دهیم.

■ شک نداریم که جامعه ما نیازمند توسعه شاخه‌های آموزشی کاردانش و فنی‌وحرفه‌ای‌ست. سؤال این است که چرا برای این نیاز، فرهنگ‌سازی و بسترسازی نمی‌شود؟ شاید برخی از رشته‌ها مانند دامداری که محصول آن‌ها مانند گوشت و شیر و تخم‌مرغ مستقیماً به دست مردم می‌رسد و در زندگی مردم نقش دارد، شناخته شده‌اند و مردم از آن‌ها آگاهی دارند ولی مردم در خصوص بسیاری از رشته‌های کاردانش و فنی‌وحرفه‌ای آگاهی ندارند.

من عرض کردم که رسانه‌های جمعی در اطلاع‌رسانی خیلی نقش دارند. آن‌ها می‌توانند به هنرستان‌ها بیایند و کارایی و فایده این رشته‌ها را برای مردم نشان دهند. ما الان دانش‌آموخته هنرستانی در رشته تأسیسات داریم که با اجاره کردن یک زیرپله توانسته است درآمدی کسب کند که پس از کسر هزینه‌های اجاره، آب، برق، گاز، تلفن و مواد اولیه، بیش از دو میلیون تومان در ماه باشد. چرا ما نباید این‌ها را نشان بدهیم.

توقع این است که رسانه‌های جمعی این‌ها را نشان بدهند. اصحاب رسانه واقعاً در این زمینه می‌توانند کمک کنند و اثرگذار باشند.

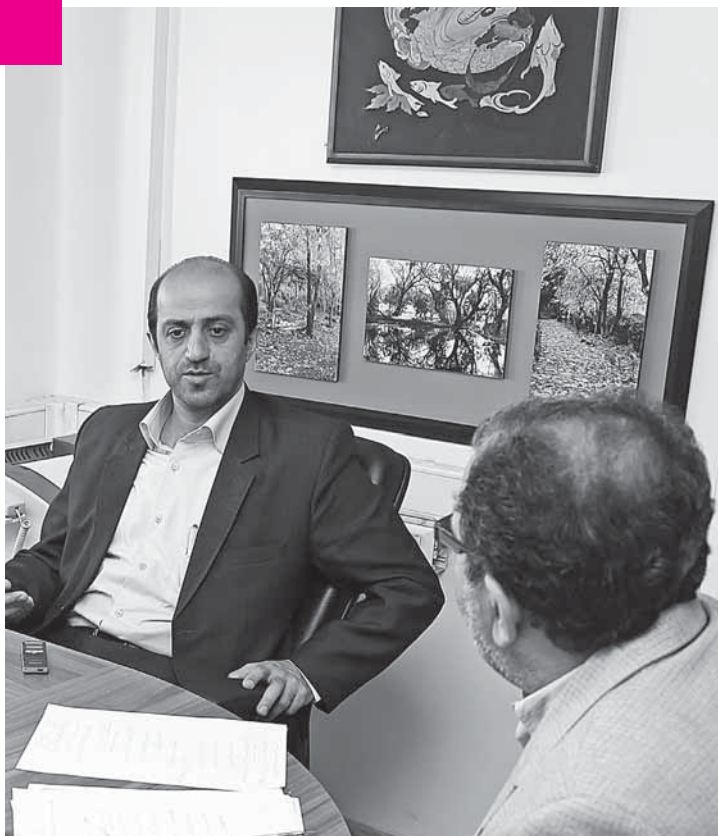
■ آیا شما از رسانه‌ها خواسته‌اید که این کار را بکنند و انجام نداده باشند؟

بله ما بارها از آن‌ها خواسته‌ایم و در مواردی آن‌ها هم محبت کرده‌اند و آمده‌اند و انجام داده‌اند. البته توجه داشته باشیم که من، به‌عنوان مدیر یک دفتر، بخشی از مسائل را می‌توانم مطرح کنم و بخش‌هایی از این کار مربوط به رده‌های بالاتر مثل معاون وزیر و وزیر است. آقای مهندس زرافشان نیز در فرصت‌های مناسب در این زمینه اقدام می‌کنند. یکی از برنامه‌های دفتر ما بهسازی و توانمندسازی نیروی انسانی‌ست. توانمندسازی هنرآموز، مدیر، کارشناس مسئول فنی‌وحرفه‌ای، رؤسای ادارات فنی‌وحرفه‌ای استان‌ها جزء دستور کار جدی دفتر ماست.

ما معتقدیم هر چه این‌ها توانمندتر شوند بیشتر می‌توانند به این آموزش کمک کنند.

موضوع بعدی این است که در جلسات شورای آموزش و پرورش استان‌ها، که با حضور استاندار و مجموعه عوامل اجرایی استان برگزار می‌شود، اهداف را بهتر و بیشتر تبیین کنند. ما معتقدیم اگر استاندار، معاونان وی، عوامل اجرایی استان،





### خواهد داد یا نه؟

محتوای کتاب‌های درسی براساس رشته‌ها و براساس شرایط جدید به‌روز خواهد شد. محتوای کتاب‌های درسی امسال برای دو سال بعد تغییر می‌کند و محتوای کتاب‌های سه سال قبل نیز برای امسال باید به‌روز شود.

کتاب‌های یک رشته مهارتی خاص ضرورتاً محتوای خود را می‌طلبد. وقتی شرایط، جدید شود، مطمئناً در منابع هم تجدیدنظر خواهد شد. الان محتوای پایه هفتم (پایه اول دوره متوسطه اول) ما جدید است. وقتی این دانش‌آموز به پایه اول دوره متوسطه دوم برسد قطعاً محتوا و منابع هم جدید خواهد شد. اصولاً در شرایط جدید محتوای قبلی کتاب‌ها پذیرفته نیست.

اگر ما رشته جدید و شرایط جدیدی داریم، همگام با سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی، صنعت و مؤسسات خدماتی و صنوف، محتوای جدید را تدوین می‌کنیم. بنابراین ورود به شرایط جدید نیازمند محتوای جدید و البته نه خیلی متغیر است.

■ این‌ها یک تغییر منطقی است. اما سؤال ما این است که با توجه به تغییر و تحول سریعی

دستگاه‌های متولی مسائل فرهنگی، اجتماعی استان، انجمن جمع و شهرداران نسبت به مسائل آموزش‌های مهارتی بیشتر در جریان قرار گیرند، موجب می‌شود فرهنگ‌سازی در زمینه توسعه رشته‌های کاردانش و فنی و حرفه‌ای نهادینه گردد و به کمک‌های بیشتری بینجامد.

### ■ در برنامه‌های جدید دفتر، ترکیب جنسیتی هم تغییر خواهد کرد؟

ما به یک توسعه متوازن نیاز داریم. حتی در بحث آموزش مشاغل خانگی هم سیاست‌های آموزش و پرورش این است که آن‌ها توسعه یابند. الان تعداد افرادی که در آموزش مهارتی کاردانش با جنسیت دختر هستند کمتر از پسر است. برای تغییر این ترکیب ملاک ما نیاز ملی و منطقه‌ای است. ممکن است در رشته‌ای ضرورت نداشته باشد که در آن، جنسیت خاصی را تعیین کنیم. پس اینکه از نظر کمی تعداد آن‌ها برابر باشد خیلی مهم نیست. مهم نیازهای واقعی جامعه و نیازهای ملی و منطقه‌ای است. بنابراین هر جنسیتی در مجموع اگر می‌تواند متناسب با نیازهای واقعی ملی منطقه‌ای و براساس مقتضیات فرهنگی اجتماعی و شرایطی که هست، تأمین‌کننده نیاز ما باشد آن را توصیه می‌کنیم. ولی این که از قبل ما خودمان جنسیت خاصی را محدود کنیم، در برنامه ما نیست و در جهت خواسته‌های جامعه، صنعت و صنوف نیز نخواهد بود. ضمن اینکه به هر حال احساس ما این است که یک مهارت را هر کدام از جنسیت‌ها کسب کنند در نهایت دور ریختنی نخواهد بود و حداقل در زندگی شخصی هر یک قابل استفاده خواهد بود. من معتقدم اگر جامعه و خانواده‌ها آگاهی پیدا می‌کردند این همه متقاضی برای یک رشته خاص در دانشگاه‌ها زیاد نمی‌شد. مگر ما در یک رشته چقدر نیاز داریم و ظرفیت دانشگاهی برای آن چقدر است؟ نتیجه این می‌شود که این همه داوطلب پشت کنکور می‌مانند و نمی‌توانند وارد دانشگاه شوند و تازه اگر هم وارد دانشگاه شوند شاید براساس نیازهای واقعی جامعه جذب نشده باشند. بنابراین ضرورت دارد همه برای یک برنامه‌ریزی دقیق دست به دست هم بدهیم. ما باید بستر را فراهم کنیم برای اینکه آن‌ها به جای کارجویی به دنبال کارآفرینی، که زیاد هم هست (مشاغل صنعتی، خانگی، کشاورزی و خدماتی) بروند.

■ آیا براساس برنامه‌های جدید تغییری هم در محتوای کتاب‌های درسی کاردانش رخ

من بارها گفته‌ام  
مشکل ما کمبود  
امکانات نیست،  
شناختن امکانات  
است

## براساس تبصره ۷۵ قانون بودجه سال ۶۲، هنرستان‌ها می‌توانند آموزش همراه با تولید داشته باشند و درآمد کسب کنند و طبق مقررات از این درآمد استفاده کنند



## ارزیابی عمومی من از مدیران هنرستان‌ها خوب است

که در بعضی رشته‌ها ایجاد می‌شود، محتوای کتاب‌های درسی به همان سرعت تغییر می‌کند؟ مثلاً در رشته تعمیرات موبایل که دائم مدل‌های جدید آن به بازار عرضه می‌شود، چگونه محتوای آموزشی آن هم تغییر خواهد کرد؟

در رشته‌های کار دانش امکان این گونه تغییرات بیشتر است و قطعاً برخی تغییرات غیر قابل اجتناب هستند.

برای مثال اگر زمانی من برای آموزش ویندوز از نرم‌افزار ایکس پی (XP) استفاده می‌کردم و حالا به نرم‌افزار سون (seven) نیاز است، اگر چه همان رشته و همان درس باشد، این نرم‌افزار باید روی سیستم نصب شود. پس محتوا براساس «سون» نوشته می‌شود. البته توجه داشته باشید ما وقتی یک رشته را تأسیس می‌کنیم حداقل باید آن را دو سال حفظ کنیم، چون کسانی که در پایه دوم هستند وارد پایه سوم می‌شوند و باید در سال سوم آن را تمام کنند.

گفتنی است محتوای کتاب‌های درسی را دفتر تألیف کتب درسی سازمان پژوهش تعیین می‌کند. تعیین اهداف هم در دوره‌های تحصیلی با سازمان پژوهش است و اجرای آن وظیفه ماست. این چیزی است که شورای عالی آموزش و پرورش تعیین کرده است.

■ برخی از مدیران هنرستان‌ها می‌گویند اختیارات آن‌ها برای انجام وظایفشان کم است. آن‌ها می‌گویند قوانین دست و پای ما را برای اجرای خیلی از وظایفمان بسته است. چرا شما اختیارات مدیران و رؤسای دبیرستان‌ها را افزایش نمی‌دهید؟

به نظر من مشکل کم یا محدود بودن سطح اختیارات نیست، مشکل برخی مدیران هنرستان‌ها آشنا نبودن آن‌ها با قوانین و مقررات است. برخی از مدیران نه این که اختیار ندارند، بلکه شناخت و آگاهی لازم از اختیاراتشان ندارند. اتفاقاً یکی از برنامه‌های اصلی آقای دکتر فانی وزیر محترم آموزش و پرورش ارتقا بخشیدن و تقویت مدیریت آموزشی و بحث کیفیت بخشی به آموزش‌هاست که در دستور کار است.

در حال حاضر، قانون مجموعه اختیاراتی را به مدیر آموزشگاه داده است.

من بارها گفته‌ام مشکل ما نداشتن امکانات نیست، شناختن امکانات است. بی‌شک، قوانین،

آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مالی اختیاراتی را به ما داده‌اند. اما یکی می‌آید از این ظرفیت حداکثر استفاده را می‌کند و دیگری نمی‌تواند از این ظرفیت استفاده کند.

در صورتی که قانون می‌گوید اگر شما می‌خواهید تصمیم جدیدی بگیرید شورای مالی تشکیل دهید و پس از تصویب شورا اقدام کنید. یا مثلاً می‌گوید چه طور من مدیر نمی‌توانم درآمد داشته باشم؟ بله شما می‌توانید به عنوان مدیر، براساس تبصره ۷۵ قانون بودجه سال ۶۲ که منقضی هم نشده است، آموزش همراه با تولید (یعنی همان تبصره ۷۵۵) را انجام دهید و از این طریق درآمد کسب کنید. همچنین ممکن است آموزش همراه با تولید داشته باشی، سپس بگویی چه فایده دارد وقتی پول آن را نمی‌توانم خرج کنم؟ قانون می‌گوید پول و درآمدش را هم می‌توانی خرج کنی. منتها اینجا قانون گفته است درآمد را ابتدا به حساب خزانه بریزید بعد برگشت داده می‌شود و این را هزینه و خرج کنید.

به همین منظور یکی از برنامه‌های اصلی ما آموزش و توانمندسازی نیروی انسانی، به خصوص مدیران آموزشگاهی است تا این ظرفیت‌ها را بشناسند. ما در اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران برای مدیران جدیدالانتصاب چند جلسه آموزش می‌گذاشتیم و به آن‌ها می‌گفتیم این قوانین و ضوابط است و این هم اختیارات شماست. شما هم بروید توی این هنرستان‌هایی که ما می‌گوییم و با مدیران آنجا که چندین سال تجربه دارند، تبادل نظر کنید و این یعنی توانمندسازی و تقویت مدیریت آموزشی.

■ ارزیابی شما از مدیران فعلی هنرستان‌ها چگونه است؟

ما در هنرستان‌ها مدیران خیلی خوب و قابل داریم. نظر به اینکه نوع فعالیت در هنرستان‌ها متفاوت است، مدیریت آن‌ها نیز قطعاً به توانمندی‌های اولیه نیاز دارد. تنوع رشته‌ای، درسی، مهارتی، کارگاه‌ها، برنامه‌نویسی‌ها، به خصوص در شاخه کار دانش، این قدر زیاد است که یک حداقل توانمندی برای مدیریت آن لازم است. پس من به طور کلی می‌توانم بگویم ارزیابی عمومی من از مدیران هنرستان‌ها خوب است، اما اگر بپرسید این مقدار کافی است می‌گویم نه و آن‌ها لازم است برای توانمندی بیشتر دوره آموزشی ببینند.